

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

شبهانگ راد
۲۰ اکتوبر ۲۰۱۸

در یادمان بیژن هیرمن پور

یک توضیح: از آنجا که ضیقی وقت، مانع طرح بعضاً موارد در مراسم یادبود بیژن هیرمن پور - به تاریخ ششم اکتوبر دو هزار و هیجده - گردیده است، بنابراین در زیر، تمامی آن‌ها به صورت نوشتاری - و آن‌هم -، با اندکی حک و اصلاح خواهد آمد.

نزدیکی و ارتباط سیاسی - تئوریک من با بیژن، به دوران بعد از قیام بر می‌گردد و دیدار شخصی ام، به سال‌های هفتاد و دو و سه مربوط می‌شود. دیداری که رفته رفته قوام پیدا کرده و منجر به رفت و آمدها شده است. راستش نمی‌دانم از کجا باید شروع کنم تا بتوانم بدرستی قامت سیاسی - تئوریک و شخصیتی بیژن را توضیح دهم، که در آن نه اغراق و بزرگنمایی باشد و نه کمی و کاستی. یک جور هائی می‌شود با کمی و کاستی‌هایش کنار آمد، - اگر چه مهم است -، اما اغراق و بزرگنمایی مشکل است. به این دلیل که بیژن با این‌دست موارد مشکل داشت و با شنیدن، و یا با خواندن نامه‌های همچون تو بهترینی، انرژی‌زائی و امثالهم، به شدت ناراحت و اذیت می‌شد. در هر صورت نمی‌دانم که از بیژن، قبل از قیام و انتخاب آگاهانه و تعقلش به آرمان کمونیستی و آن‌هم به‌عنوان یگانه آرمان رهائی بشریت بگویم؛ به ارتباطش با مسعود احمدزاده در تدوین و در تنظیم تئوری مبارزه مسلحانه بگویم؛ از ایستادگی و مقاومتش در برابر بازجویان و شکنجه‌گران ساواک؛ به ساده زیستی اش و در این میان و مهم‌تر از همه این‌ها، به برخورد سازنده و کمونیستی اش نسبت به مخالفان تئوریک - سیاسی و خلاصه به وسعت نظرش، پیرامون لغزش‌های بعضاً زندانیان در مقابل بازجویان و شکنجه‌گران شاه و... بگویم. حقیقتاً که زمان می‌خواهد و مکان تا به یکایک آن‌ها پرداخته شود. اما قبل از هر چیز، مایلم این موضوع را با شما در میان بگذارم که وقتی از بیژن می‌گویم، روشن است که تجربیات و ارزیابی‌های فردی من از وی می‌باشد و همچنین برای من مسجل است که نمی‌تواند، هم‌سو با تجارب و یا با برداشت‌های دیگران باشد. مطمئناً کسانی که جدا از مرزبندی‌های سیاسی - تئوریک با وی مرزبندی‌های رفتاری و شخصی هم داشتند، به همان دلیلی که بیژن با آنان داشت.

به دنباله اضافه کنم که قصد بازخوانی و یا تکرار ارزش‌های سیاسی بیژن قبل از قیام را ندارم. نوشته‌ها پیرامون او زیاد است و همچنین اخیراً در وصفش زیاد گفته و نوشته شده است. بنابراین، بیژن قبل از قیام و دوران شاهنشاهی را

می‌گذارم، برای کسانی که با وی جنگ و جدل‌های سیاسی - تئوریک، و نشست و برخاست داشتند و سیاست مقاومت در برابر بازجویان و شکنجه‌گران ساواک را سازمان دادند.

همانطور که در بالا گفتم، نوشته‌های بسیار زیادی، مربوط به فعالیت سیاسی - تئوریک بیژن قبل از قیام آمده و در حقیقت، کمتر به نقش بیژن بعد از قیام، اشاره شده است. بر همین اساس آمده‌ام، تا کمی از بیژن بعد از قیام بگویم. اگر چه قصد برشماری همه جانبه جایگاه سیاسی - تئوریک او تا زمانی که به طور کامل با چفخا قطع رابطه سیاسی - سازمانی کرده است، که بی‌تردید بی‌دلیل هم نبوده را ندارم (البته می‌شود این‌ها را به شکل دیگری، در مکان‌ها و یا در ظرف‌های دیگری و در آینده توضیح داد)؛ ولی در اینجا مایلیم تا به طور خلاصه و کلی بگویم، که بیژن یکی از اعضای کلیدی و مهم، در پایه‌ریزی و شکل‌گیری چریک‌های فدائی خلق ایران بعد از غصب سازمان، توسط افراد سازش‌کار و تسلیم‌طلبی همچون نگهدارها و کشتگرها بوده است.

به طور قطع نمی‌شود از تاریخ چریک‌های فدائی خلق بعد از قیام صحبت کرد و از نقش کلیدی اش نگفت؛ نمی‌شود از نظرات چفخا آن‌زمان حرف زد و بیژن را به حساب نیاورد، و همچنین نمی‌شود ایرادات و یا نقدهایی که راجع به نظرات چفخا آن دوران بوده گفت و پای بیژن را از موضوعات خارج کرد. چرا که بیژن متعلق به همه آن دوران بوده است.

شاید کسان و یا جریان‌اتی، عمداً و یا سهواً بخواهند، و یا این‌که دوست نداشته باشند، وقایع را بدرستی و آنچه را اتفاق افتاده بگویند، ولی به جرأت می‌توان گفت، که شکل‌گیری دوباره چفخا و حتی جان‌گیری مجدد چفخا بعد از انشعاب با آرخا، بر گردن بیژن بوده است. به عبارت روشن‌تر، اگر در سال پنجاه و هشت، نیمه کار به عهده وی بوده، ولی نزدیک به یک‌دهه، تمامی کار سیاسی - تئوریک چفخا، از آن بیژن است.

حرف زده و نوشت و بار دیگر، جریان در هم ریخته و بی‌رمق را جمع و جور و رمق دار کرده است. بنابراین، لازم به تأکید است که به همان دلیلی که تئوری مبارزه مسلحانه با نام مسعود احمدزاده و پویان تنیده شده است، جان‌گیری دوباره چفخا بعد از جدائی با چفخا - آرخا (که شدیداً با آن مخالف بود)، با نظرات و با ارزیابی‌های سیاسی - تئوریک بیژن رقم خورده است.

در اینجا قصد بررسی درستی و یا نادرستی‌های سیاسی - تئوریک چفخا آن‌زمان نیست بلکه هدف اصلی و همه حرف آن است که می‌بایست، خود واقعه و نقش اصلی افراد، آنچه را که بودند و هستند، توضیح داد؛ حرف اصلی آن است که جابه‌جائی اسم‌ها باید ممنوعه اعلام و خیابان و پرونده تحریف وقایع بسته شود. بی‌تردید انتخاب و تداوم این روش‌ها، و یا تقلیل جایگاه سیاسی - تئوریک بیژن و آن‌هم به عنوان "همکار"، که در اعلامیه "چریک‌های فدائی خلق ایران" به تاریخ دوازدهم شهریور [سنبله] هزار و سیصد و نود و هفت آمده است، نه تنها غیر مسئولانه و توهین به عناصری که در چهارچوبه تئوری و نظرگاه بیژن مبارزه، دستگیر و شکنجه شدند و جان دادند، می‌باشد، بلکه ضایعه و فاجعه‌بار است.

فکر می‌کنم باید سراسر حرف زد و ارزش‌ها و جایگاه سیاسی افراد را، بدرستی به نسل‌های کنونی و بعدی منتقل نمود و از حکایت و از داستان هم بود و هم نبود فاصله گرفت. باید دانست که دفاع از ارزش‌های حقیقی افرادی همچون بیژن، به معنای دفاع از تاریخ سیاسی جریان پُر افتخار چفخا و همچنین دفاع از ارزش‌ها و کارکردهای سیاسی خودی هم به حساب می‌آید. بر همین اساس و در چنین روز و موقعیتی، درست ندیده‌ام تا از اهمیت و از جایگاه سیاسی - تئوریک بیژن، که نقش بزرگی در سمت و سو دادن و هدایت ده‌ها مثل من داشته است نگویم و یا این‌که آگاهانه بخواهم از کنارش رد شوم.

حقیقتاً بحث شخصیت سازی نیست، بلکه شخصیت شناسی افرادی مثل بیژن است؛ بیژنی که به نظر من عنصری بوده برای شناساندن دیگران، و اگر نگویم برای همه ولی و به جرأت می‌توانم بگویم، که نردبان و سکونی بوده برای بالا رفتن و پریدن بعضی‌ها؛ بیژنی که از خود نوشته‌هایی همچون:

* سیزده یادداشت از کتاب مسعود احمدزاده (مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی، هم تاکتیک).

* مقدمه‌ای بر چاپ جدید کتاب م. ه. ا. ه. ت، در سال پنجاه و هشت.

و به اضافه

* مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی.

* تحلیلی از ماهیت قدرت دولتی پس از قیام بهمن!

* سازش طبقاتی زیر پوشش مبارزه ضد امپریالیستی

* مصاحبه عاطفه گرگین با چریک‌های فدائی خلق ایران (فصلی در گلسرخ شماره هفت).

* شرایط کنونی و وظایف ما.

* طرح برنامه.

* شعارهای ما.

* نقدی بر دیدگاه‌های کومله (سازمان انقلابی زحمت‌کشان ایران).

* پیام اشرف دهقانی به خلق‌های قهرمان ایران.

* کارنامه سه سال "کار آرام سیاسی (مبارزه مسلحانه و اپورتونیستها "جلد دوم")

* پیام چریک‌های فدائی خلق ایران به هواداران سازمان در خارج از کشور.

* موضع ما در قبال مسئله ملی در ایران به طور کلی و در کردستان به طور مشخص.

* بورژوازی لیبرال.

* تحلیل طبقاتی جامعه یا مخدوش کردن صف خلق.

* چه نیازی مجاهدین را به مرتجع نامیدن کمونیستها و ا می دارد؟

* نقدی بر دیدگاه‌های سازمان مجاهدین.

* شیوه برخورد کومله در مبارزه ایدئولوژیک.

* کومله و "مارکسیسم انقلابی".

* اقلیت در تدارک قیام.

* خرده بورژوازی و نقش آن در انقلاب.

* سازمان مجاهدین در فاز جدید.

* مجاهدین و "انقلاب ایدئولوژیک!"

و.... بر جای گذاشته است.

اشاره کردم که نمی‌خواهم به طور همه جانبه پیرامون این موضوع حرف بزنم. آمده ام تا کمی از جایگاه حقیقی و از کارکردهای نظری اش، از نقشش در سر و سامان دادن افکار مدافعان تئوری مبارزه مسلحانه، از نگاهش نسبت به محیط، از متانتش با رقیبان سیاسی - تئوریک، از مدارایش، و در حقیقت از تأثیرگذاری اش بر روی خودم صحبت کنم. در دوره ای که با مشکلات متفاوت رودررو شدم و مانع افتادن من شده، و نه در دوره ای بلکه تا آخرین لحظه مرگش، از من، بیشتر از خودش مراقبت کرده است.

آدم تا بگویم که بیش از اندازه به مردم، و به انقلاب عشق می‌ورزید و با تمام وجود بر این باور بود که می‌باید با مردم سرراست حرف زد و صادق بود؛ آمده‌ام بگویم که بیش از اندازه به نظرات دیگران گوش می‌داد، و بیش از اندازه در خانه‌اش به روی من و ده‌ها تن دیگر و حتی برای کسانی که سر پناهی نداشتند باز بود. به قول یکی از دوستانم که می‌گفت، اولین باری که پا گذاشتم توی خانه‌اش، فکر کردم که پا گذاشتم به خانه خودم، و انگار خانواده از دست رفته و گم‌شده‌ام را پیدا کردم. راحت بودی چون راحت می‌گذاشتند. گرمی خانه و دوست‌داشتنش به رفقاء و دوستان، فضای ماندن و گفتمان بیش‌تر با وی را فراهم می‌کرد.

البته و در این زمینه باید بگویم که نمی‌شود از بیژن گفت و از همسر عزیز و نازنینش (شهین) حرفی نزد. شهینی که با تمام وجود و با عشق و علاقه، و با انسانیت تمام و تا آخرین لحظه، از وی مراقبت کرده که به حق قابل احترام و ستایش است.

نمی‌شود در این زمینه از بیژن گفت و از اسم آرش دوست داشتنی‌اش صرف‌نظر کرد که شدیداً شیفته‌اش بود و نه صرفاً به عنوان پدر، بلکه به عنوان یک دوست و یار، در سر و سامان دادن زندگی‌اش، نقش بسیار زیادی بازی کرده است. عشق پدری داد و محبت پسری را گرفت. رابطه پُربار و زنده‌ای با آرش برقرار کرده و بی‌دلیل هم نبود که بیژن دائماً بمن می‌گفت "شانس آوردم که این پسر گیرمان افتاده، اگر آرش را نداشتیم کارم زار بود".

بی تردید اشاره این نوع مسائل از جانب من، نه صرفاً خاطره‌گویی و یا برانگیختن احساسات بعد از مرگ، بلکه بیانگر ارتباط صحیح و انسانی بین پدر و پسر است. حس و ارتباطی که دو طرفه بوده و یکی بدون دیگری ناکامل می‌شد. همچنین و به جرأت می‌توانم بگویم که چنین رابطه‌ای برای من جذاب بوده و فکر می‌کنم، وقتی چنین وضعیتی در جمعی، در محیطی و یا در خانواده‌ای حاکم است، یعنی در آن سلامتی رابطه و سرزندگی‌ست. بنابراین معلوم است که هر کسی وارد چنین محیط و فضائی می‌شود، از آن لذت می‌برد. عشق و صفای این خانواده را می‌شد در گرمی و در مهمان‌نوازی‌های‌شان دید که باید بگویم بیژن نه همه آن، بلکه نیمه آن را تشکیل می‌داد. مصداق این حرف من را می‌شود در اکثر نوشته‌هایی که اخیراً در یادبود وی نوشته شده است، به عینه دید. یعنی این موضوع، با بر جستگی خاصی برای همه برخوردار بوده است.

در هر صورت و من حیث المجموع فرهنگ دوست داشتن، راحتی، صمیمیت و محبت در خانه بیژن حاکم بوده است. در کنار همه این‌ها، بیژن کمتر ناظر بی‌طرف بوده است. در هر زمینه‌ای ایرادی می‌دید، حرف می‌زد و نظر می‌داد. می‌شنید و به دل نمی‌گرفت. پشت سر کسی حرف نمی‌زد و چنانچه بحث سیاسی، اختلاف عقیدتی و یا برنامه‌ای با کسی داشت، پنهانش نمی‌کرد. در کنار این‌ها باید بگویم به‌همان میزانی که صراحت در طرح و بازگویی ایرادات داشت، به‌همان میزان هم، از کسانی که پشت سر حرف می‌زدند، ناراحت می‌شد. همواره تأکیدش بر این بود که می‌باید، حرف را رودررو زد. چرا که سالمی رابطه را، در رودررو حرف زدن می‌دید. این را به ویژه در بحث‌های سیاسی‌اش نشان می‌داد. صراحت عجیبی داشت و طبعاً یکسری‌ها از این‌همه صراحت خوش‌شان نمی‌آمد که همین، منجر به کدري و یا قطع رابطه شخصی بعضی‌ها، با وی هم شده است.

در بحث‌ها و به ویژه در بحث‌های سیاسی توهین نمی‌کرد؛ پاپوش نمی‌ساخت و برای اثبات نظرات خودش استدلال می‌آورد و از دیوار اتهامات و انگ‌زدن به‌دیگران بالا نمی‌رفت. چیزی که ما بسیار با آن‌ها در خارج از کشور روبروئیم و به عنوان مرض ناعلاج بعضاً افراد و جریانات تبدیل شده است. ولی بیژن با همه آن‌ها بیگانه بود و این روش‌ها را کمونیستی و سازنده نمی‌دانست. به این دلیل که دچار فقر استدلال نه بود؛ به این دلیل که مدافع انتقاد سازنده و کمونیستی بود و این را در "شرایط کنونی و وظایف ما" بدین‌گونه گفته است: **"باید اجازه دهیم که هتاک و فحاشی"**

جای انتقاد، و پرگویی‌های روشن‌فکرانه، جای عمل انقلابی و منافع تنگ گروهی، جای مصالح کل جنبش را در برخورد بین نیروها بگیرد."

بی‌تردید نگاه بیژن به یک حوزه خلاصه نمی‌شد و به دنباله از نگاه انتقادی بسیار بالائی نسبت به کارکرد جریانی که به آن تعلق داشت برخوردار بود. و باز هم در همان نوشته می‌گوید: **"اگر ما از لحاظ تنوریک مسأله حاکمیت را حل کردیم و شعارهای مشخص عمل را نیز مطرح کردیم، متأسفانه در تحقق آن‌ها اقدامی نکردیم و فقدان پراتیک باعث آن می‌شود که نتوانیم بروشنی نارسائی‌های تنوری گذشته خود را دریابیم"**.

براستی که بیژن از چنین خصائلی برخوردار بود و به شدت مخالف بی‌برنامگی و ندانم کاری‌ها بود و تحت هیچ شرایطی، مدافع و مبلغ قطع رابطه فردی و به ویژه سیاسی - سازمانی نبوده است. وی مدافع کار سیاسی و جمعی بوده و همواره و همواره، تأکیدش بر آن بوده است که انجام کار سیاسی به هر میزانی، بهتر از انجام ندادنش است. به نظرانتش ایراد می‌گرفتند که جوابگو نیست؛ پاسخش این بود، اگر هر کسی به هر آنچه را که اعتقاد دارد، عمل کند، چپ ما به چنین حال و روزی نمی‌افتاد. دائماً تأکیدش بر این بود که من نمی‌گویم همه حرف من درست است، بلکه می‌گویم باید کار و عمل کرد؛ می‌گویم باید این دو را به موازات هم به پیش برد. می‌گویم اگر کسی معتقد به شوراست، سندیکاست، مجامع کارگریست، حزب است و یا جنگ روستائی و شهری، بنابراین انجامش دهد. یعنی این‌که، اگر همه این‌ها عمل شود، ما، یعنی چپ ما دیگر غمی نخواهد داشت. آن وقت است که می‌توانیم بگوئیم، شورای‌مان را داریم، سندیکای‌مان را داریم، مجامع کارگری، دسته‌های شهری و روستائی‌مان را داریم و معلوم است که صدها گام، جلوتر از موقعیت فعلی بودیم.

خلاصه نگاهش از منافع سازمانی و کل جنبش، و همچنین از اتحاد به گونه ای دیگر بوده است و مایل با این نقل قول از بیژن که در طرح برنامه آمده است، صحبت‌هایم را خاتمه بدهم.

"اما بخوبی به این امر واقفیم که مبارزه مسلحانه توسط ما و حتی صرفاً توسط نیروهای کمونیست صورت نمی‌گیرد. امروز بخش بزرگی از مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم توسط نیروهای غیر کمونیست انجام می‌پذیرد. ما ضمن استقبال از مبارزه این نیروها در صدد یافتن شیوه‌های اتحاد عمل و تأثیرگذاری متقابل جهت عمق و وسعت بخشیدن به مبارزه کل خلق هستیم".

بنابراین ارزش حقیقی و همه جانبه بیژن را باید در چنین نگاه وسیع و همه جانبه اش، و آن هم خارج از منفعت سازمانی - گروهی، در مقاومتش، در عقب ننشستنش در گرماه‌های تاریخی - سیاسی و مهمتر از همه این‌ها با حمل همه محدودیت‌های حرکتی که داشت، دید؛ محدودیت‌هایی که به یقین باید گفت باعث تخلیه انرژی‌های سیاسی و سرزندگی می‌شود. اما بیژن با آگاهی تمام، با همه آن‌ها کنار آمد و ایستاد و پشیمان زد.

۱۸ اکتوبر ۲۰۱۸

۲۵ مهر [میزان] ۱۳۹۷

لینک بعضاً نوشته‌های بیژن

<http://www.siahkal.com/publication/RMassoud-All-chapters.pdf>

<http://www.siahkal.com/publication/mosahebeh-ba-Rafigh-Ashraf-Dehghani-1358.pdf>

https://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/cherikhay_ashraf-tahlil-mahiat-ghodrat-dolati.pdf

https://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/cherikhay_ashraf-sazeshe_tabaghati.pdf
https://www.iran-archive.com/sites/default/files/sanad/cherikhay_ashraf-mosahebe_cherikha.pdf
<http://www.siahkal.com/publication/sharayete-kononi-vazayefe-ma.htm>
<http://www.siahkal.com/publication/ipfg-Draft-Program.htm>
<http://www.siahkal.com/publication/our-slogas.htm>
<http://www.siahkal.com/publication/naghde-Komeleh.pdf>
http://www.siahkal.com/publication/payam_sal_1362.pdf
<http://www.siahkal.com/publication/mm2.htm>
<http://www.siahkal.com/publication/nationality-question.htm>
<http://www.siahkal.com/publication/b-liberal.htm>
<http://www.siahkal.com/publication/makhdoosh-kardane-saf-e-khalgh.pdf>
<http://www.siahkal.com/publication/mojahedin-che-niazi.pdf>
<http://www.siahkal.com/publication/neghade-didgah-haye-Mojahedin.pdf>
<http://www.siahkal.com/publication/naghde-Komeleh.pdf>
http://www.siahkal.com/publication/Komale_Va_Marxism-Enghelabi.htm
<http://www.siahkal.com/publication/aghaliyat.htm>
<http://www.siahkal.com/publication/petyborgeva.htm>
<http://www.siahkal.com/publication/mojahedin-dar-faze-jadid.pdf>
<http://www.siahkal.com/publication/mojahedin-va-enghelab-idelajiki.pdf>